

جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی اسلام از دیدگاه روایات

زینب نوروزی^۱

چکیده

نظام سیاسی اسلام طبق دستورات قرآن و تعالیم اسلامی بنا شده است. بدون شک در دوران حضور معصومین، رهبر این نظام، امام معصوم است و اوست که نظام سیاسی را در تمام ابعاد اداره می‌کند. به اعتقاد شیعه و طبق روایات، در دوران غیبت رهبری نظام سیاسی بر عهده نائب عام معصوم است که همان فقیه جامع الشرائط است. در روایات جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی بیان شده است و ابعاد مختلف آن تشریح شده است که در این نوشتار مهمترین روایات که عمدتاً در کتب مربوط به ولایت فقیه مورد بررسی قرار گرفته اند، بیان شده و بر اساس آن جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی تشریح می‌شود. در این نوشتار، هدف اصلی این است که شأن و جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی اسلام بیان شده و محوریت کار در این مقاله تشریح و تبیین روایات است. از آنجا که ولایت فقیه، ادامه مسیر رسولان الهی و معصومین است، بحث از آن همچون بحث از ولایت اولیای الهی بسیار مهم و ضروری است. روش این مقاله توصیفی تبیینی است و در آن از منابع کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. نتیجه حاصل این است که ولایت فقیه در رفع خصومات مردم، اجرای قوانین الهی، دادخواهی از مظلومان، و پاسداری از دین حق در دوران حق نقش دارد و مهمترین شئون انبیای الهی در عصر غیبت، طبق روایات به ولی فقیه واگذار شده است.

کلیدواژه: سیاست، فقها، ولایت فقیه، ولی، نظام سیاسی.

1. سطح دو، حوزه علمیه زینبیه آبیگ.

مقدمه

دین اسلام دین جامعی است که در تمام ابعاد فردی و اجتماعی دستوراتی را برای سعادت انسان بیان داشته، و راهکارهای اساسی را برای امور دنیا و آخرت تنظیم کرده است. در همین راستا، در بعد اجتماعی و به طور خاص در بعد سیاسی، نظامی را طراحی کرده است که تحت ولایت معصومین، وظیفه اجرای اسلام و تحقق عدالت اجتماعی را بر عهده دارد. این نظام، به عقیده شیعه در دوران غیبت، رهبری آن بر عهده ولی فقیه است که نیابت عام از معصومین دارد و جایگاه او در نظام سیاسی در روایات تشریح شده است. با توجه به اهمیت خاصی که جایگاه ولایت فقیه در عصر حاضر دارد، و همچنین با در نظر گرفتن جایگاه ولایت فقیه در روایات، در این نوشتار، محور اصلی بیان جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی اسلام است که محوریت مباحث روایاتی است که در کتب شیعه نقل شده و در کتب مربوط به ولایت فقیه در مورد آن بحث شده است.

آنچه در این نوشتار بیان می شود، جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی اسلام است، به این معنا که در روایات بحث و بررسی کرده و جایگاه ولایت فقیه را به دست آورده و مسئولیتهایی که بر عهده ایشان است به خوبی تبیین می گردد.

در مورد اهمیت این موضوع، توجه به این که ضروری است که قوام نظام سیاسی اسلام در عصر غیبت مبتنی بر شناخت جایگاه ولایت فقیه و پیاده کردن دستورات ایشان در جامعه اسلامی است. از این رو بحث از جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی، بر اساس روایات، اهمیت خاصی دارد و مقدمه ای برای تحقق دستورات اسلام در جامعه، در بعد سیاسی است.

سؤال اصلی این نوشتار این است که ولایت فقیه در نظام سیاسی اسلام، مطابق روایات چه جایگاهی دارد؟ برای پاسخ به این سؤال نیاز است روایات شیعه نقل شده و دلالت آنها بر این مطلب مورد بحث و تحقیق قرار گیرد.

با دقت و بررسی در میان منابع روشن می شود که در موضوع ولایت فقیه به طور عام آثار فراوانی نوشته شده است، اما این آثار عموماً رویکرد روائی نداشته و بحث ولایت فقیه را در تمام ابعاد آن مورد بررسی قرار داده اند. به عنوان نمونه:

کتاب ولایت فقیه نوشته آیت الله جوادی آملی، کتاب حکیمانه ترین حکومت، نوشته آیت الله مصباح یزدی، کتاب ولایت فقیه نوشته امام خمینی (رحمة الله علیه)، کتاب ولایت فقیه، هادی تهرانی.

آثار نامبرده، همگی از جمله آثاری هستند که بحث ولایت فقیه را مورد بحث قرار داده و در ضمن مباحث خود روایات مربوط به این موضوع را بیان کرده اند. گرچه محوریت هیچکدام بحث از روایات این موضوع نبوده است.

همچنین در کتاب حکومت اسلامی، احمد واعظی، در مورد حکومت اسلامی در دوران غیبت بحث کرده و جایگاه ولی فقیه در این دوران را نیز تشریح کرده است، اما این کتاب نیز با توجه به این که رویکرد عام به این مسئله دارد، با نوشتار حاضر متفاوت است.

همچنین در کتاب حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی که حاصل جمع آوری بیانات امام خمینی (رحمة الله علیه) در این زمینه است، مطالب بسیار خوبی در این زمینه دیده می شود اما این کتاب نیز در مورد روایات بحث نکرده است.

مقالات زیادی نیز در این زمینه نوشته شده است، از جمله مقاله جایگاه ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی، نوشته محمدرضا شمس، و مقاله جایگاه ولایت فقیه، حداد عادل، ولی این مقالات نیز عموماً با محوریت روایات تألیف نشده است.

در مجموع این نکته به دست می آید که اثر مستقلی که تنها با محوریت روایات در این خصوص نوشته شده باشد، یافت نشد، و این نوشتار می تواند خلأ موجود در این زمینه را مرتفع سازد.

الف) مفهوم‌شناسی

در این قسمت از نوشتار، برخی از مفاهیم کلیدی که در این مقاله دارای اهمیت ویژه هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1) ولایت

ولیّ و ولایت از ریشه «ولی» هستند که در کتب لغت معانی مختلفی برای آن ذکر شده است که چند مورد را ذکر می‌کنیم:

برخی از کتب لغت همچون «مصابح المنیر»^۱ ریشه اصلی این واژه را معنای قرب و نزدیکی می‌دانند.^۲ برخی دیگر نیز همچون «مفردات» ریشه این کلمه را نوعی رابطه خاصی می‌دانند که بین دو چیز برقرار می‌شود که نصرت، دوستی، ولایت پدر و ... همگی از مصادیق این رابطه هستند.^۳ همچنین با مراجعه به کتب مختلف لغت روشن می‌شود که معانی دیگری همچون: سلطان، دوست، آزاد کننده، ناصر، سید، بزرگ، رب، صاحب، همسایه و... نیز برای این ماده ذکر شده است که در اصل از مصادیق این معنا هستند نه معانی آن.^۴ در فرهنگ نامه‌های لغت فارسی نیز چند معنای اخیر برای واژه ولایت ذکر شده است.^۵

در کتاب «التحقیق» نیز که ریشه کلمات را به طور گسترده و همراه با مصادیق آن ذکر می‌کند، ایشان ولایت را نوعی رابطه می‌داند که بین دو چیز برقرار است و در نتیجه یک چیز در پس چیز دیگری قرار می‌گیرد، این رابطه می‌تواند رابطه نیک یا بد باشد و همه معانی چون دوستی، نزدیکی، ولایت فقهی و حقوقی را در بر می‌گیرد. این رابطه و نحوه آن در علوم مختلف همچون ولایت در فقه، کلام، حقوق و... معنا می‌شود.^۶

1. فیومی، مصباح المنیر، ج 2 ص 672.

2. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج 13 ص 202.

3. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص 885.

4. جوهری، الصحاح، ج 6 ص 2528.

5. نفیسی، فرهنگ نفیسی، ج 5 ص 3887؛ دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، ج 2 ص 3142.

6. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج 13 ص 203.

(2) نظام سیاسی

یکی دیگر از مفاهیم اصلی در این نوشتار، نظام سیاسی است. این مفهوم از دو بخش تشکیل شده است: نظام و سیاست. نظام در اصل از زبان عربی گرفته شده است و به معنای قوام هر چیزی است، به عبارت دیگر به هر چیزی که استواری، استقامت، و راستی چیز دیگر مبتنی بر آن است، نظام گفته می شود.^۱ به همین جهت به نخ تسبیح که مایه از هم گسیختگی دانه هاست، نظام گفته می شود.^۲ و به مجموعه ارکان اجتماعی یک کشور که متصدی قوام امور مردم هستند، نظام آن کشور گفته می شود.

سیاست نیز در لغت به معنای تدبیر امور مردم است، که شامل امور معاش مردم نیز می گردد. و نظام سیاسی نظامی است که امور اجتماعی و معاش مردم در آن شکل می گیرد.^۳

در اصطلاح علوم نیز مراد از نظام سیاسی اسلام، همان مجموعه دستگاه های حکومت اسلامی است که سیاست و تدبیر امور مردم را عهده دار هستند و مسئولیت اجرای اسلام در جامعه را بر عهده دارند.

(ب) جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی اسلام

بعد از بیان برخی از مقدمات و بیان مفاهیم اصلی این نوشتار، اکنون در مورد محور اساسی این مقاله بحث و تحقیق صورت می گیرد.

(1) مرتفع کردن نزاع و خصومت مردمی

یکی از مهمترین وظایفی که مربوط به جایگاه ولایت فقیه در دوران غیبت است، برطرف کردن نزاع بین مردم و اختلافاتی است که بین آنها رخ می دهد، این اختلافات گاهی سیاسی است، گاهی مربوط به معاملات و داد و ستد است، گاهی مربوط به محیط خانواده است و گاهی نیز در ابعاد

1. معلوف، المنجد فی اللغة، ص 818.

2. شرتونی، اقرب الموارد، ج 5 ص 434.

3. معلوف، المنجد فی اللغة، ص 362.

اجتماعی را به مقدار توان محقق کرده، تا آنجا که عده ای تحمل عدالت او را نداشته و در تاریخ آمده است: «قتل فی محرابه بشده عدله»^۱.

با توجه به نکاتی که بیان گردید، خط اصلی انبیای الهی و معصومین اجرای عدالت در جامعه و دادخواهی از مظلومان است. چیزی که ولایت اولیای الهی را از ولایت طواغیت متمایز می کند؛ با توجه به اینکه فقهای این امت، جانشینان رسولان الهی در جامعه هستند، یکی از مهمترین شئونی که ولی فقیه در جامعه دارد این است که عدالت اجتماعی را در جامعه محقق سازد. امام خمینی (ره) که پایه گذار حکومت اسلامی در عصر حاضر است، در مورد تحقق عدالت اجتماعی و دادخواهی از مظلوم اینگونه فرموده است:

«طبقات مختلف به طبقات پایین ظلم نکنند. باید حق فقرا، حق مستمندان داده بشود. تمام اینها در جمهوری اسلامی باید عمل بشود. و ملت وظیفه دارد که در جمهوری اسلامی پشتیبانی از دولتها بکند که به خدمت ملت هستند. اگر دولتی را دید که خلاف می کند، ملت باید تودهنی به او بزند. اگر چنانچه دستگاه جبری را دید که می خواهد به آنها ظلم کند، باید شکایت از او بکنند و دادگاهها باید دادخواهی بکنند؛ و اگر نکردند خود ملت باید دادخواهی بکند، برود توی دهن آنها بزند. در جمهوری اسلامی ظلم نیست. در جمهوری اسلامی اینطور مسائلی که زورگویی باشد نیست. فقیر و غنی؛ نمی تواند طبقه غنی بر طبقه فقیر زور بگوید، نمی تواند استثمار کند، نمی تواند آنها را با اجر کم وادار به عملهای زیاد بکند. باید مسائل اسلامی حل بشود در اینجا و پیاده بشود»^۲.

6) ایجاد فرهنگ معنویت

یکی دیگر شئون حکومت اسلامی، برپایه ولایت فقیه این است که فرهنگ معنویت را در جامعه ایجاد می کند، به این معنا که با اجرای دستورات و قوانین الهی، زمینه ارتباط میان خلق با خالق را فراهم می کند و معنویت را در جامعه پیاده می سازد. قرآن کریم در این مورد می فرماید:

1. مطهری، مجموعه آثار ج 4 ص 819.

2. امام خمینی، استضعاف و استکبار از دیدگاه امام خمینی، ص 104.

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست».^۱

خدای متعال در آیه فوق یکی از آثار حکومت اولیاء خدا در جامعه را ایجاد معنویت در پرتو نماز و ایفاء زکات معرفی می‌کند. همچنین امر به معروف و نهی از منکر نیز از آثار این حکومت هستند که این مهم نیز نقش به سزایی در از بین بردن گناه و ایجاد معنویت دارد. با در نظر گرفتن آیه فوق روشن می‌شود که حکومت اسلامی با بهره‌گیری از حکام معنوی و مسلمان، زمینه ایجاد فرهنگ معنویت در جامعه را فراهم می‌آورد.^۲

در همین راستا، در روایات نیز دستور داده شده است که در دوران غیبت، از فقهایی پیروی شود که عاری از هوای نفس بوده و تابع دستورات معصومین باشد. این امر بدین جهت است که ولی فقیه در دوران غیبت، وظیفه احیای دین و فرهنگ معنویت را عهده دار است و روشن است که کسی می‌تواند محقق این امر باشد که خودش عاری از صفات رذیله و هوای نفس باشد. در روایت معروف امام عسکری آمده است:

«اما آن دسته از فقها که نفس خود را حفظ کرده است، دین خود را نگه داشته است، با هوای نفس خود مخالفت کرده است، و از امر مولای خود اطاعت کرده است، عوام مردم باید از او تقلید کنند و این امر در بعضی از فقههای شیعه وجود دارد».^۳

1. حج: 41.

2. قرائتی، تفسیر نور، ج 6 ص 51.

3. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1 ص 257.

نتیجه گیری

آنچه در این نوشتار صورت گرفت، مباحثی پیرامون جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی اسلام است که محوریت آن روایات اهل بیت بود. در این نوشتار بعد از بیان برخی از مقدمات و تشریح برخی از مفاهیم کلیدی، در مورد جایگاه ولایت فقیه در نظام اسلامی در دوره غیبت معصومین بحث گردید.

نتیجه حاصل از این نوشتار این است که ولایت فقیه طبق روایات، در دوره غیبت وظیفه رفع خصومت بین مردم در امور مختلف را عهده دار است و نزاع و درگیری را بین شیعیان مرتفع می‌سازد. همچنین قوانین الهی که طبق فرموده قرآن اجرای آن در جامعه ضروری است، در عصر غیبت به وسیله ولی فقیه در جامعه اجرا می‌شود. همچنین، ولی فقیه وظیفه دارد مرزهای اسلام را محافظت کرده و اسلام واقعی را از انحرافات پاسداری کند.

طبق روایات ولی فقیه در دوران غیبت باید دارای صفات برجسته‌ای همچون عاری بودن از هوای نفس باشد و این امر نشان از این دارد که مسئولیت تهذیب نفوس و تحقق معنویت واقعی، از دیگر اهداف مهمی است که در دوره غیبت باید محقق شود ولی فقیه عهده دار آن است.

از دیگر نتایج مهم این نوشتار این است که طبق روایات، منصب ولایت فقیه در دوران غیبت، منصب جانشینی معصومین است و لذا مهمترین رسالت‌هایی که معصومین در زمان حضور خود داشته‌اند، در این دوران بر عهده ولی فقیه خواهد بود. همچنین این نتیجه به دست می‌آید که همانطور که پیروی از معصومین در دوران حضور ایشان لازم است، حمایت از ولایت فقیه جهت تحقق اهداف سیاسی که در روایات ترسیم شده است لازم می‌باشد.

در مجموع می‌توان جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی اسلام را با توجه به روایات، همان جایگاه معصومین در مرتبه پایین تر دانست، و ولایت فقیه را همان خط اصلی اولیاء و رسولان الهی معرفی کرد و که این امر ضرورت وجود ولایت فقیه در عصر غیبت را برای همگان روشن می‌سازد.

فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.

1. خمینی، روح الله، استضعاف و استکبار از دیدگاه امام خمینی، تهران: نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، 1386.
2. _____، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی، تهران: نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، 1389.
3. _____، ولایت فقیه، تهران: نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، 1409ق.
4. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: دانشکده ادبیات، چاپ دوم، 1390.
5. طباطبائی، محمد حسین، معنویت تشیع، قم: تشیع، چاپ اول، 1387.
6. عراقی، محمود، دارالسلام، قم: جمکران، چاپ دوم، 1384.
7. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: درسهای از قرآن، چاپ اول، 1388.
8. مصباح یزدی، محمد تقی، آفتاب ولایت، قم: مؤسسه امام خمینی، چاپ چهارم، 1384.
9. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1368.
10. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، چاپ هشتم، 1384.
11. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، 1374.
12. نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران: خیام، چاپ اول، بی تا.

13. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: بعثت، چاپ اول، 1374.
14. جزری، ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، چاپ اول، 1385ق.
15. جوهری، اسماعیل، الصحاح، تهران: امیری، چاپ اول، 1369.
16. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة، قم: آل البیت، چاپ سوم، 1416ق.
17. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، چاپ اول، 1412ق.
18. شرتونی، سعید، اقرب الموارد، تهران: اسوه، چاپ اول، 1374.
19. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد: مرتضی، چاپ اول، 1403ق.
20. فیض کاشانی، محسن، الوافی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین، چاپ اول، 1406ق.
21. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: دارالهجره، چاپ دوم، 1414ق.
22. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، 1407ق.
23. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: داراحیاء التراث، چاپ سوم، 1403ق.
24. معلوف، لوئیس، المنجد فی اللغة، قم: اسماعیلیان، چاپ سوم، 1365.
25. مجموعه نرم افزارهای کامپیوتری علوم اسلامی نور.